

سرشناسه	محقق، مهدی، ۱۳۰۸ -
عنوان قرارداد	دیوان، شرح.
عنوان و نام پدیدآور	شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو / تألیف مهدی محقق.
مشخصات نشر	تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۶ -
مشخصات ظاهری	ج.
فروست	انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ ۴۸۵.
شابک	شابک دوره : 978-964-528-136-4 شابک : 978-964-528-129-6 : ۷۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	ص.ع. لاتینی شده: Mehdi Mohaghegh, sharh - i - buzurg comprehensive commentary of Divan - i Nasir - i khusrav
موضوع	ناصر خسرو، ۳۹۲-۴۸۱ ق. -- دیوان -- نقد و تفسیر.
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۵ ق. -- تاریخ و نقد.
شناسه افزوده	ناصر خسرو، ۳۹۲-۴۸۱ ق. -- دیوان -- دیوان، شرح.
شناسه افزوده	انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
رده بندی کنگره	ش ۳۳ / ۴۷۶۵ PIR
رده بندی دیویی	۸۱/۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۱۰۹۱۲۸۶

شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو

جلد اول

تألیف
دکتر مهدی محقق



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۱۳۸۶

سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

شماره ۴۸۵

شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو (ج ۱)

● تألیف: دکتر مهدی محقق ● ویراستار: حمیده حجازی ● ناظر فنی چاپ: محمدرئوف مرادی ● لیستوگرافی: باختر ● چاپ: دالاهو ● صحافی: میثم ● نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶ ● شمارگان ۱۵۰۰ نسخه ● همه حقوق محفوظ است

● شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۸-۱۳۶-۴ ISBN (Vol. Set): 978-964-528-136-4

● شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۸-۱۲۹-۶ ISBN: 978-964-528-129-6



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

دفتر مرکزی: تهران - خیابان ولی عصر - پل امیربهداد - خیابان سرگردبشیری
شماره ۱۰۰ - تلفن: ۵۵۳۷۴۵۳۱-۳، دورنویس: ۵۵۳۷۴۵۳۰
دفتر فروش: خیابان انقلاب بین خیابان ابوریحان و خیابان دانشگاه - ساختمان
فروردین - شماره ۱۳۰۴، طبقه چهارم - شماره ۱۴؛ تلفن: ۶۶۴۰۹۱۰۱

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

پیشگفتار

بنام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین
در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی که به قصد استفاده و استفاضه از محضر مبارک
مرحوم شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری - در وقتی که هنوز بیست بهار از زندگی ام
نگذشته بود - ترک خانه و کاشانه گفتم و به جوار حضرت ثامن الائمه - علیه آلاف
التَّحیَّة و السَّلام - پیوستم، برخلاف آداب و عادات حوزه‌های علمیه که استاد، متکلم
وحده است - نه کسب نظر از طلاب می‌کند و نه تکلیف کتبی از آنان درخواست
می‌نماید - از استاد خواهش کردم تکلیفی معین فرمایند تا آنچه را که در کتاب مطوّل
سعدالدین تفتازانی از قواعد معانی و بیان و بدیع، روزی چهار ساعت می‌خواندم منطبق
با آن تکلیف سازم و آن را به صورت مقاله‌ای به رشته تحریر در آورم و اندوخته علمی
خود را با محک آزمایش بیازمایم. استاد از این پیشنهاد من خشنود گشتند و از من
خواستند که آنچه را می‌دانم و می‌فهمم از این دو بیت ناصر خسرو بنویسم و برای
اصلاح و راهنمایی تقدیم محضر علمی ایشان نمایم:

پسند هست بازهد عمار و بوذر کند مدح محمود مر عنصری را؟
من آنم که در پای خوکان نریزم مراین قیمتی در لفظ دری را

من در آن زمان که با مراجع و مآخذ اسلامی تازه آشنا شده بودم، برایم بسیار
تازگی داشت تا با مراجعه به کتاب‌هایی مانند: *أُسْدُ الْقَابَةِ فِي مَعْرِفَةِ الصَّحَابَةِ* و *الاستیعاب*
فی معرفة الأصحاب به جستجوی شرح حال عمار یاسر و ابوذر غفاری بپردازم، و با

مراجعه به لباب‌الالباب عوفی و تذکرة الشعراء سمرقندی و نیز سخن و سخنوران بدیع‌الزمان فروزانفر، احوال عنصری را پی‌جویی کنم و با رجوع به کتاب‌های تاریخی همچون تاریخ‌گودیزی و تاریخ‌بیهقی به موقعیت سلطان محمود غزنوی ملقب به غازی آشنا گردم، به‌ویژه که در دیوان ناصر خسرو به مواردی دیگر برخورد کرده بودم که او نظرش دربارهٔ سلطان محمود منفی بوده است، مانند:

به مُلک تُرک چرا غره‌اید؟ یادکنید جلال و عزّت محمود زاوِلستان را
و یا بیت زیر که از او با لقب غازی یاد کرده و او را شایستهٔ آن لقب ندانسته است:
آن کو به هندوان شد یعنی که غازی‌ام

از بهر بردگان نه ز بهر خدا شده‌ست
استاد مقالة من را پسندیدند و در حضور طَلّاب حاضر در درس مرا تحسین و تمجید کردند و فرمودند تا دیگران آن را نمونه‌ای از یک تحقیق کامل بدانند و من این داستان را حدود چهل سال بعد در کتاب یادنامهٔ ادیب نیشابوری، تهران ۱۳۶۵ که به پاس محبت‌ها و الطافشان مرتّب و منتشر ساخته بودم، یادآور شدم.

در مورد بیت دوم، استاد، خود مرا راهنمایی کرده بودند که «ریختن دُر در پای خوک‌ان» را در ادب عربی در آثار ابومنصور ثعالبی همچون یتیمه‌الدهر و لطائف‌المعارف جستجو کنم و من عبارت «أُقْلَدُ الدُّرَّ أَغْنَاكَ الْخَنَازِيرُ» (مروارید را بر گردن خوک‌ان می‌آویزم) را بر مقالة خود افزودم.

در طی سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ که دانشجوی دانشکدهٔ علوم معقول و منقول بودم با دو استاد بزرگوار آشنا شدم که مرا بر ادب فارسی تشویق کردند: مرحوم دکتر مهدی حمیدی شیرازی که اصرار داشت که از میان شاعران شیعی، شاهنامه فردوسی و دیوان ناصر خسرو را بخوانم؛ و مرحوم دکتر علی‌اکبر فیاض در امتحانی که از کلیله و دمنه از من گرفتند، در یکی دو نکتهٔ دستوری دریافتند که من دستور زبان فارسی را با نحو عربی مقایسه می‌کنم و به جهت دوستی و آشنائی که با مرحوم پدرم داشتند، فرمودند: «مهدی آقا تو کوچک‌ترین دانشجوی من هستی و من بر تسلط تو بر صرف و نحو و بلاغت عربی واقف هستم ولی تو نباید به خود مغرور شوی و خیال کنی عربی را که خوب می‌دانی، نیازی به قواعد فارسی نداری». این جملهٔ استاد، مرا متنبه ساخت و

همانجا تصمیم گرفتم که پس از ختم تحصیلات در دانشکده علوم معقول و منقول به دانشکده ادبیات بروم و رشته زبان و ادبیات فارسی را بخوانم. در این دانشکده رساله پایان نامه لیسانس خود را در ترجمه و شرح قصیده لامیة العجم طهرانی اصفهانی گرفتم که مرحوم دکتر ذبیح الله صفا به عنوان استاد راهنما مرا بر آن ستایش کردند و اصرار و تأکید فرمودند: «حال که تو بر ادب فارسی و عربی مسلط گشته‌ای، لازم است که بدون فاصله، دوره دکتری ادبیات را هم بگذرانی تا از وجود تو برای تدریس در دانشگاه استفاده شود».

در دانشکده ادبیات با مرحوم دکتر معین در درس چهارمقاله نظامی عروضی و برخی از متون نظم فارسی آشنا شدم، ایشان که در همان سال‌ها سرپرستی تألیف کتاب‌های درسی فارسی و عربی را عهده‌دار شده بودند، تألیف سه مجلد کتاب صرف و نحو و قرائت عربی را به من و دکتر سید جعفر شهیدی - که هر دو دبیر دبیرستان ابو مسلم در تهران بودیم - واگذار فرمودند. این آشنائی و تقرب به حضور استاد موجب شد که از ایشان بخواهم راهنمایی رساله دکتری مرا تحت عنوان: «تحقیق در دیوان ناصر خسرو» بپذیرند و من نخستین دانشجو بودم که آن مرحوم، راهنمایی رساله‌اش را پذیرفته بودند. استاد فرمودند که: «دیوان موجود که به وسیله سید نصرالله تقوی و سید حسن تقی‌زاده و علی اکبر دهخدا و مجتبی مینوی آماده و در سال ۱۳۰۸ چاپ شده است، دارای افتادگی‌ها و سقطات و اغلاط و اشتباهاتی است و نیز در آن، اشعاری سست و کم‌مایه از دیگران به نام ناصر خسرو منسوب گشته، از این روی لازم است از نسخه خطی که در مجلس شورای ملی است و مصححان نامبرده، زمانی از آن آگاه گشتند که کار چاپ دیوان به پایان رسیده بود، استفاده کنی و آن را ملاک کار خود قرار دهی». از این روی من نسخه‌ای از دیوان چاپی را با گذاشتن برگی سفید در میان اوراق آن در دو جلد تجدید صحافی کردم و طی سال ۱۳۳۶ هرروزه در کتابخانه مجلس شورای ملی با نسخه خطی مقابله می‌کردم و تفاوت آن‌ها را در برگ سفید یادداشت می‌نمودم. در سال ۱۳۳۷ بر اساس همین نسخه مصحح، رساله خود را منظم ساختم و در ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ در حضور آقایان مرحوم دکتر محمد معین (استاد راهنما) و مرحوم سعید نفیسی و مرحوم دکتر ذبیح الله صفا (استادان مشاور) از آن دفاع کردم که خطابه دفاعیه.

که شامل کوشش‌ها و نوآوری‌هایی بود که در ضمن تحقیق خود انجام داده بودم، در چهارمین بیست‌گفتار در مباحث ادبی و فلسفی و کلامی و تاریخ علوم، تهران ۱۳۷۹ به وسیله مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک‌گیل چاپ و منتشر شده است.

مقارن با تصحیح متن دیوان و تدوین رساله، برهه‌ای از زمان را به مطالعه منابع اسماعیلی گذراندم و برای اینکه بتوانم در تفسیر و توجیه اصطلاحات اسماعیلی به منابع اصیل ارجاع دهم آثار دیگر ناصر خسرو همچون وجه دین و خوان الاخوان و زاد المسافرین و جامع الحکمتین و گشایش و رهایش و همچنین آثار بزرگانی همچون ابویعقوب سجستانی و حمیدالدین کرمانی و ابوحاتم رازی و قاضی نعمان مغربی و المویّد فی الدّین شیرازی مورد مطالعه و برگه برداری قرار گرفت و نتایج این کوشش‌ها به صورت هشت مقاله درآمد که در هفت شماره از مجله یغما، فروردین تا مهر ۱۳۳۷ چاپ و منتشر گشت و سپس در کتاب بیست‌گفتار در مباحث علمی و فلسفی و کلامی و فرق اسلامی، تهران ۱۳۵۵، مؤسسه مطالعات اسلامی آورده شد و اخیراً آن را نشر اساطیر به عنوان یک کتاب مستقل تحت عنوان اسماعیلیّه چاپ و منتشر کرده است که در این چاپ، همه عبارات عربی اعم از آیه و حدیث و مثل و شعر عربی به فارسی ترجمه شده است.

در همین سال‌ها مقالات متعدّدی در زمینه مطالعات خود درباره ناصر خسرو به رشته تحریر در آورده شد از جمله:

- ۱- علوی بودن ناصر خسرو، مجله یغما، سال ۱۴، شماره ۱، فروردین ۱۳۴۰.
- ۲- تأثیر قرآن در اشعار ناصر خسرو، مجله دانشکده ادبیات، شماره ۳، سال هشتم، ۱۳۴۰.
- ۳- مضامین اشعار ناصر خسرو در احادیث و امثال و اشعار عرب، مجله دانشکده ادبیات، شماره ۱، سال نهم، ۱۳۴۰.
- ۴- ابونصر بن عمران (= المویّد فی الدّین داعی الدّعاة شیرازی، راهنمای ناصر خسرو به مذهب اسماعیلی)، مجله یغما، سال ۱۵، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۴۱.
- ۵- قصیده‌ای در رثای نبش قبر حضرت موسی بن جعفر (ع) و گوینده آن المویّد

فی الدین داعی الدعاة شیرازی، نامه آستان قدس رضوی، شماره ۱۴، اردیبهشت ۱۳۴۲.

۶- امان نامه مجعول و توضیح بیتی از ناصر خسرو، مجله دانشکده ادبیات، شماره ۱، ۱۳۴۲.

۷- ناصر خسرو و نسبت روحانی او، مجله وحید، شماره ۱ سال ششم، ۱۳۴۷.
۸- تصحیح دیوان ناصر خسرو بر پایه نسخه ترکیه و امتیازات آن نسخه، نامه مینوی، تهران ۱۳۵۰.

در سال ۱۳۴۸ مصمم شد تا بر اساس نسخه ترکیه و نسخه مجلس و برخی از نسخ دیگر و منابعی که برخی از قصائد و قطعات ناصر خسرو در آن وجود داشت، دیوان را با همکاری مرحوم مجتبی مینوی به منظور چاپ تصحیح کند و این امر چهار سال تمام به طول انجامید که هر روز دوشنبه و جمعه از ساعت چهار الی هشت بعد از ظهر در منزل آن مرحوم به مقابله و تصحیح و ضبط اختلاف نسخ می پرداختیم و نتیجه کوشش ما در سال ۱۳۵۳ به وسیله دانشگاه تهران چاپ و منتشر شد. آقای دکتر علی رواقی که بسیار بسیار به ناصر خسرو به ویژه کاربرد لغات نادر در دیوان او علاقه مند بودند، در این امر با ما مشارکت داشتند. این فرصت مناسبی بود که ما می توانستیم از محضر آن استاد بزرگ و توانا بهره مند گردیم و از خاطرات فراوان و تجربه های مفید علمی و عملی او سود جوئیم.

چراغ عمر پرتوافشان مرحوم مینوی در سال ۱۳۵۵ خاموش گشت و وعده ای که ما داده بودیم که جلد دومی را اختصاص به تعلیقات می دهیم به انجام نرسید، با وجود این من یک تنه به گردآوری یادداشت ها و مطالب برای آن جلد پرداختم و آماده تحریر نهائی آن شدم و هنگامی که دانشگاه ها به جهت انقلاب فرهنگی تعطیل شد و برای استادان کاری تحقیقی معین گردید، وزارت علوم برای من همین تعلیقات و توضیحات دیوان ناصر خسرو را معین کرد ولی جهله و علم ستیزان دانشکده ادبیات با آن مخالفت کردند و ترجیح دادند که من حقوق خود را از بیت المال ملت بگیرم و کاری برای آنان انجام ندهم و نامه ای هم که از طرف شورای عالی کمیته ترجمه و تالیف و تصحیح کتاب های دانشگاهی وابسته به ستاد انقلاب فرهنگی به شماره ۶۲۰۱۳ موزخ

۱۳/۱۱/۵۹ به دانشگاه نوشته شد و عمل آنان را ناموجه دانست، مؤثر واقع نشد و از این روی جلد دوم دیوان که شامل تعلیقات و توضیحات بود، در محاق وقفه و تعطیل قرار گرفت و من هم یادداشت‌ها را مایوسانه به کنجی افکندم و خود را مصداق این عبارت ساختم: طَوَّحْتُ الْأَوْرَاقَ فِي زَوَايَا الْهَجْرَانِ وَ نَسِجْتُ عَلَيْهَا غَنَاكِبَ النَّسِيَانِ وَ ضَرَبْتُ يَمِينِي وَ بَيْنَهَا حِجَابًا مَسْتُورًا كَأَنَّ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا.

ناگفته نماند که چهار بخش از هشت بخش رساله دکتری خود را با برخی از تغییرات و اضافات تحت نام تحلیل اشعار ناصر خسرو در سال ۱۳۴۴ به وسیله انتشارات دانشگاه تهران منتشر ساختم و چنان مورد استقبال اهل فضل و ادب دوستان قرار گرفت که چاپ‌های دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم آن در طی سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۹ و ۱۳۶۸ و ۱۳۷۴ منتشر و بر فضلا و علمای کشور عرضه گردید. چهار بخش کتاب بدین‌گونه تقسیم گردیده بود: ۱- اقتباس از آیات قرآن ۲- مضامین احادیث و امثال و اشعار عرب ۳- لغات مفرد و مرکب ۴- امثال و حکم و تشبیهات و کنایات. در هر یک از چاپ‌های یاد شده پیوستی به کتاب افزوده می‌شد که این پیوست‌ها در چاپ ششم به پنج رسید و عبارت بود از:

۱- سخنی چند درباره ناصر خسرو که در بردارنده شرح حال کوتاهی از آن حکیم خردمند است.

۲- مسأله علوی بودن ناصر خسرو که در آن نسبت جسمانی او به حضرت علی بن ابی طالب (ع) - که ایوانف به آن معتقد بود - رد گردیده است.

۳- توضیح بیتی از ناصر خسرو که در آن این بیت معروف او:

بشو زی امامی که خط پدرش است به تعوید خیرات مرخیبری را
برای نخستین بار روشن گردید.

۴- چهره دینی و مذهبی ناصر خسرو در دیوان که جنبه‌های کلامی و عقائد اسماعیلی او مورد تبیین قرار گرفته است.

۵- مطالبی درباره سبک ناصر خسرو که برخی از جنبه‌های بلاغی و محسنات بدیعی که او در دیوان بکار برده، یاد گردیده است.

علی‌رغم آنکه در سی سال اخیر به ویژه پس از بازنشستگی - که من آن را از

الطاف خفیه الهی می خوانم - بیشتر به فلسفه و کلام و تاریخ طب اسلامی پرداخته ام، باز از ناصر خسرو غافل نمانده و جسته گریخته مقالاتی درباره آن شاعر توانا و توانمند به رشته تحریر در آورده ام که اکنون به برخی از آن ها اشاره می نمایم:

- ۱- «تابعه» یا «ملعبه» در شعر ناصر خسرو، جشن نامه پروین گنابادی، ۱۳۵۴.
 - ۲- امام حسین در شعر ناصر خسرو، مجموعه سخنرانی های سمینار جهانی حضرت امام حسین علیه السلام، لندن، ۱۳۶۳.
 - ۳- تحقیق در دیوان ناصر خسرو (خطابه دفاعیه رساله دکتری) چاپ شده در چهارمین بیست گفتار، ۱۳۷۶.
 - ۴- المویّد فی الدّین شیرازی داعی الدّعاة راهنمای ناصر خسرو، نشریه فارس شناخت، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۸.
 - ۵- مسیح و مسیحیت در آثار ناصر خسرو، مرکز گفتگوی تمدن ها، تهران، ۱۳۷۹.
- در پایان باید یادآور شوم که من همواره در مطالعات خود درباره ناصر خسرو کوشیده ام که به نفع دانشجویان و نسل جوان نیز سود جویم از این روی پیش از چاپ دیوان، پانزده قصیده او را بر اساس نسخه ترکیه تصحیح کردم که با تعلیقات و توضیحات در سال ۱۳۴۰ به وسیله کتابخانه طهوری مکرر در مکرر چاپ و منتشر گردید و پس از آنکه دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های دولتی و آزاد اسلامی تشکیل شد، پانزده قصیده دیگر به آن افزوده گردید و تحت عنوان: شرح سی قصیده از ناصر خسرو قبادیانی به وسیله انتشارات توس در سال ۱۳۶۹ چاپ شد و سپس به چاپ دوازدهم رسید و چون این کتاب در دانشگاه های تاجیکستان به عنوان کتاب درسی شناخته شد، در سال ۲۰۰۳ میلادی زیر نظر ناصر جان سلیم اف به خط سیریلیک برگردانده شد و در آن کشور چاپ و منتشر گشت. نظر به استقبالی که در داخل و خارج کشور از این کتاب به عمل آمد، ضرورت اقتضا می کرد که کتاب مورد بازبینی مجدد قرار گیرد و ویراستی جدید با اضافات و ترجمه آیات و احادیث و امثال و اشعار عرب به فارسی با جلدی ضخیم منتشر گردد. این امر در سال ۱۳۸۴ با مساعدت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تحقق پذیرفت و مورد پذیرش استادان و دانشجویان قرار گرفت.
- چون چاپ های پیشین دیوان ناصر خسرو نایاب شده است و ناشران حرفه ای از روی

چاپ اول دیوان - که در سال ۱۳۵۳ به کوشش مرحوم استاد مجتبی مینوی و این ضعیف فراهم آمده بود - به صورت ناقص و ابتر منتشر می‌کردند، دانشگاه تهران چاپ ششم دیوان ناصر خسرو را با حروف چینی مجدد در سال ۱۳۸۴ در دسترس اهل علم و علاقه‌مندان به شعر ناصر خسرو قرار داد.

آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان در اواسط شهریور ماه سال ۱۳۸۲ همایشی بین‌المللی تحت عنوان احوال و آثار و افکار ناصر خسرو در شهر دوشنبه برگزار کرد که در آن، شماری از ناصر خسرو شناسان جهان شرکت کرده بودند. از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از راقم این سطور خواسته شد که تعدادی از استادان زبان و ادب فارسی و ناصر خسرو شناسان را معرفی کند تا در آن همایش شرکت جویند. پیش از برگزاری همایش، مقالات هیأت ایرانی که شمار آن بالغ بر هفده می‌شد با مقدمه فارسی و انگلیسی این جانب در نامه پاریسی (سال هشتم - شماره دوم، تابستان ۱۳۸۲) چاپ گردید و در خلال همایش میان شرکت کنندگان توزیع شد. مقاله حقیر - که تحت عنوان: «تعلیقات در دیوان ناصر خسرو» در صفحه‌های ۲۲۱ تا ۲۴۱ این مجموعه منتشر گشته و سپس در ششمین بیست گفتار او چاپ شده است - نشان‌دهنده آن بود که دیوان ناصر خسرو احتیاج فراوان به شرح و تفصیل دارد.

مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن با همکاری بنیاد میراث فرهنگی ایران، در شهریور ماه ۱۳۸۴ همایشی در دانشکده مطالعات شرقی و افریقائی (SOAS) برگزار کرد که در آن، شماری از ناصر خسرو شناسان جهان شرکت کرده بودند. این جانب سخنرانی خود را تحت عنوان برخی از اصطلاحات فلسفی در شعر ناصر خسرو به زبان انگلیسی ایراد کرد که متن فارسی آن در هفتمین بیست گفتار در سال ۱۳۸۵ به وسیله مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک‌گیل منتشر گردیده است.

اکنون که در اقطار مختلف جهان، توجه و عنایت به ناصر خسرو معطوف گشته است و در برخی از کشورها همچون افغانستان و تاجیکستان و ازبکستان، دیوان او را در دانشگاه‌ها تدریس می‌کنند، مناسب چنان دید که یادداشت‌های کنارزده و فراموش شده را دوباره گردآورد و آنچه را که جهله و علم‌ستیزان دانشگاه یک ربع قرن پیش، در زمان توانائی و قدرت، جلوی نشر آن را گرفتند، در پیرانه سر که نیروی او رو به ضعف

نهاد، به منصّه وجود درآورد و شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو را با حول و قوّت الهی به جویندگان علم و دانش به ویژه دانشجویان این آب و خاک تقدیم نماید.

پیش‌بینی چنان است که شرح دیوان در پنج مجلد اتمام پذیرد و یک جلد هم به فهرست‌های اعلام و اماکن و آیات و احادیث و امثال و اشعار عربی و اصطلاحات و واژه‌های تفسیر شده اختصاص داده شود.

در پایان لازم می‌داند که از حمیده حجازی، دبیر انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران و پژوهشگر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که در استخراج آیات و احادیث، او را یاری کرده و نیز از کبریٰ بستان شیرین، پژوهشگر مؤسسه مطالعات اسلامی که نمونه‌خوانی کتاب را عهده‌دار شده و همچنین مریم بدرقه، کارمند انجمن که کتاب را با دقت وارد رایانه ساخته است، تشکر و سپاسگزاری نماید و توفیق آنان را در خدمت به علم از خداوند بزرگ درخواست نماید.

مهدی محقق

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

آبان ماه ۱۳۸۵ هجری شمسی